



# اهمیت قضا در

# اسلام

فصلت بیست و هشتم

## اهمیت قضا در اسلام

حضرت امام (س) بعد از آنکه وظایف و مسئولیت رهبری یا شورای رهبری را گوشزد فرمودند و خطرات این مسئولیت سنگین الهی را برای متصدیان امر متذکر شدند و هشدارهای لازم را دادند به موضوع دیگری از موضوعات مهم نظام اسلامی پرداختند و به طور مستقل آن را مورد توجه و تأکید قرار داده و نقش احساس و فعال و تعیین کننده آنرا گوشزد نمودند و آن مسئله قضاوت و اهمیت نظام قضا در اسلام است. حضرت امام (س) در این مقوله این طور می فرمایند:

«از مهمات امروزه مسئله قضاوت است که سروکار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی ترین مقام قضایی که در عهده دارند کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه دار و صاحب نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند و از شورای عالی قضایی می خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم انگیزی درآمده بود با جدیت بیروسمان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می کند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی براهمیت کوتاه کند و با پیشکار و جدیت به تدریج دادگستری را متحول نمایند و قضات دارای شرایطی که انشاء الله با جدیت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می شوند و معرفی میگردند به جای قضاتی که شرایط مقرر اسلام را ندارند نصب گردند که انشاء الله تعالی به زودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند. و به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می کنم که با در نظر گرفتن احادیثی که از معصومین صلوات الله علیهم در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه در باره قضاوت به غیر حق وارد شده است این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلسن سپرده شود و

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله بیات

کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز نزنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند و بدانند که همانطور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است و می دانند که تصدی قضا برای اهلسن واجب کفایی است».

در این فرآیند از توصیه های حضرت امام (س) وظایف و مسئولیتها که متوجه رهبر و یا شورای رهبری است و معیارها و ضوابطی که قضات باید مورد توجه قرار دهند و از خطرات و عواقب این نوع مسئولیت عظیم الهی نباید غافل بمانند و تکلیفی که متوجه حوزه های علمیه است هر کدام از اینها با ظرافت خاصی بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است از رهبر و شورای رهبری خواسته است با توجه به اینکه قضاوت سروکار داشتن با جان و مال و ناموس مردم است و حیثیت افراد جامعه در گرو نوع رفتار و برخورد و قضاوت آنان است متوجه اهمیت موضوع بوده و در رأس دستگاه قضائی که هدایت و سازمان دهی و جذب نیروهای صالح و واجد شرایط قضا در دست آن است فردی را قرار دهند که دارای تعهد به اسلام و سابقه دار و مجرب بوده و صاحب نظر و رأی دز امور شرعی و اسلامی و در سیاست باشد تا بتواند نظام قضائی اسلام را مشمول ساخته و زمینه اجرای عدالت اسلامی و امنیت اجتماعی و حمایت و دفاع از حقوق عمایه مردم را فراهم نمایند و غفلت از این امر بی توجهی و بی اعتنائی به یکی از ارکان مسائل محوری اسلام و نظام الهی به حساب آمده و موجب تابش اماتنها و نگرانیها و مشکلات فراوانی خواهد شد.

و از مسئولان قضائی و ریاست قوه قضائیه می خواهد با جدیت کامل بکوشند و سیستم قضائی اسلام را سرو سامان بخشیده و اینکه در گذشته قضاوت وضع رقت بار و اسفناک داشته است با بکارگیری نیروهای واجد صلاحیت و کارآمد و آشنا به مسائل اسلامی و



اگر قوه قضائیه قوی و نیرومند و موفق باشد مجرمان از ترس و هراس اجراء قوانین و عدالت بفکر ارتکاب جرم نخواهند افتاد و صالحان و بانقوابان از سلامت جامعه احساس آرامش و اطمینان و راحتی خواهند کرد.

و بالاخره اگر قوه قضائیه عادلانه روی کار آید و برنامه ریزی دقیقی برای پیاده کردن نظام قضاء اسلامی بنماید و با بهره برداری از امکانات در تمام زوایا عدالت اسلامی را لباس عمل ببوشاند جامعه به سوی قانون و قانونمندی و احترام حریمها و حرمتها و معیارها حرکت نموده و نگرانیها و دلهرهها از بی اعتباری ضوابط و قانون شکنیها و هرج و مرجهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از بین رفته و در سایه امنیت عام قضاء اسلام، همگان با آرامش به زندگی خویش ادامه میدهند.

### مسئولیت های قوه قضائیه

در اصل یکصد و پنجاه و هفتم چنین آمده است:  
به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبرتر را برای مدت پنجسال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین مینماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.  
اصل یکصد و پنجاه و هشتم: وظایف رئیس قوه قضائیه بشرح زیر است:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت های اصل یکصد و پنجاه و هشتم.

۲- تهیه لوائح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

قوه قضائیه زیر نظر فردی اسلام شناس و مجتهد عادل و آگاه به امور قضا و مدیر و مدبر اداره میشود و ایشان با توجه به شناختی که از وضع قضاء اسلامی دارد و نیاز روز افزون و مستمر جامعه بشری را به اعمال آن میداند و قدرت و توان برنامه ریزی و سازماندهی دارد و میتواند هم با ارائه طرحها و پیشنهادها و رهنمودها مشکل قانونی و تئوری و نظری سیستم را برطرف نماید و هم با شرح صدر کامل و بصیرت نافذ میتواند از افراد توانا و مورد اعتماد متعهد و عادل استفاده کرده و با جذب آنان اجراء مقررات قضائی را بدست کسانی بسپارد که قدرت اجراء عدالت اسلامی و احیای حقوق عمومی مردم را داشته باشند و با قاطعیت کامل و صلابت دینی ارزشهای الهی را لباس عمل ببوشانند و نگذارند جامعه بخاطر لابیالی گری های فکری و رفتاری و

بی اعتنائی بقانون و مقررات و یا اباحگریهای گوناگون زندگی ولو با توجیه و تحلیلهای فکری و اعتقادی هم توأم باشد توده مردم و اکثریت آنان اینگونه باور نمایند که قانون اگر چه بتصویب مجلس رسیده باشد ولو اینکه مطابق اصول و معیارهای شریعت مظهر اسلام باشد چندان هم اعتباری ندارد، میشود یا قانون هم مخالفت کرد، میشود آن را نادیده گرفت و میتوان مخالفت با قوانین را هم توجیه کرد و دستگاهی که قاطعانه در مقابل این نوع مسایل ایستادگی کند و نگهدار اعتبار و احترام قوانین آسیب ببیند و پایه های آن متزلزل گردد اگر وجود نداشته باشد و یا اگر وجود داشته باشد اما توان و قدرت برخورد با این نوع خلافها را نداشته باشد میدانید سرنوشت جامعه بکجا خواهد انجامید و آیا میدانید سرنوشت امت اسلام بکجا منتهی خواهد شد؟

بنابراین قوه قضائیه در نظام اسلامی مأمون و ملجأ کسانی است که میخواهند در جامعه، عدالت زنده نگهداشته شود و منشأ امیدواری است برای آنانیکه طعم زور و ظلم و تعدی را چشیده اند و از دست مستکاران به ستوه آمده اند و موجب هراس و نگرانی کسانی است که با تکیه بر قدرت و امکانات فراوانی که با قدری بدست آورده اند و ناظر امین و مورد اعتمادی است که با نظارت خویش نخواهد گذاشت دست اندرکاران کارهای اجرائی و مسئولان رده های مختلف اجرائی و اداری در اجراء قوانین و مقررات سهل انگاری کرده و در پیاده کردن آنها کوتاهی نمایند.

و در اصل یکصد و پنجاه و نهم بصورت عام و کلی میفرماید: مرجع و ملجأ برای تظلمات و شکایات دستگاه قضائی و دادگستری است و مردم در صورتیکه از ناحیه کسانی و یا اشخاصی مورد تعدی و تجاوز قرار گیرند و احساس ناامنی کنند میتوانند بدادگستری مراجعه نمایند و تقاضای احقاق حقوق نمایند و جای دیگری برای این منظور وجود نداشته و نباید هم وجود داشته باشد متن اصل چنین است:  
مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

علاوه بر اینکه دستگاه قضائی ضامن اجراء قوانین و کنترل کننده تخلفات و تعدیات میباشد خود او هم مشمول حاکمیت قانون بوده و در چهارچوب قوانین باید حرکت نماید و نمی تواند بهر بهانه ای از قانون تخلف نماید و یا بدون استناد بماده قانونی اظهار نظر و یا حکمی را صادر کند.

در اصل یکصد و شصت و ششم چنین میخوانیم:  
احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.